



بررسی جواز "شدّ رحال" به قصد زیارت قبر پیامبر ﷺ، با تکیه بر حدیث «لا ینبغی للمطی أن

تشدّ رحاله ...»

محمد رضا اسلامی *

رحیم صبور **

حمیدرضا غلامی نژاد ***

چکیده

با ظهور ابن تیمیه و پس از او، محمد بن عبدالوهاب، شبهاتی پیرامون مسائل مورد اتفاق در اسلام ایجاد شد. حرمت سفر به قصد زیارت قبر پیامبر ﷺ نیز، از جمله شبهاتی است که توسط وهابیان مطرح می‌گردد. یکی از دلایل وهابیان بر حرمت سفر برای زیارت، حدیث «لا ینبغی للمطی أن تشدّ رحاله إلی مسجد تبتغی فیهِ الصلوة غیر المسجد الحرام و مسجد الاقصی و مسجدی هذا» می‌باشد؛ بر اساس این حدیث، تنها، سفر به سوی این سه مسجد (مسجد الحرام، مسجد الاقصی، مسجد پیامبر ﷺ) جایز است؛ اما با تتبع در کلام علمای اهل سنت، این نتیجه به دست می‌آید که حدیث، بیانگر اجر و ثواب کامل در سفر به این سه مسجد است و برتری این سه مسجد بر باقی مساجد را بیان می‌کند؛ علاوه بر اینکه طبق قرائن و نظرات بزرگان اهل سنت، "لا ینبغی" دلالتی بر حرمت ندارد؛ همچنین، با سایر قرائنی که وجود دارد، می‌توان نتیجه گرفت که سفر به قصد زیارت، امری جایز و دارای پاداش است.

کلیدواژه‌ها: "شدّ رحال"، زیارت قبور، وهابیان، قصد زیارت.

* سطح ۲ حوزه. (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری نقد و هابیت دانشگاه ادیان و مذاهب، سطح ۳ حوزه.

*** سطح ۲ حوزه.

مقدمه

وهاییان به تبعیت از ابن تیمیه، برخلاف سیره مسلمین و رای جمهور علمای اهل سنت، سفر کردن به قصد زیارت قبر پیامبر ﷺ را، بدعت و حرام می‌دانند؛ از جمله دلایل وهاییان بر حرمت و عدم جواز "شد رحال" برای زیارت قبر پیامبر ﷺ، روایت «لا ینبغی للمطی أن تشد رحاله إلى مسجد تبتغی فیہ الصلاة غیر المسجد الحرام و مسجد الأقصی و مسجدی هذا»^۱ می‌باشد. وهاییان معتقدند که طبق این حدیث نبوی، "شد رحال"، همراه با قصد زیارت به هر مکانی غیر از مساجد مذکور در حدیث، حرام است؛ بنابراین "شد رحال" به‌سوی مکانی غیر از مسجد، به‌طریق اولی حرام است؛ لذا "شد رحال" برای زیارت قبور و قبر پیامبر ﷺ نیز حرام است.

مقالات و کتب بسیاری در رد دلایل وهاییان به نگارش درآمده است که از جمله آنها کتاب زیارت النبویه بین البدعه و الشرعیه، و مقاله‌ای به‌نام استحباب موکد زیارت قبر پیامبر ﷺ برای حاجیان، می‌باشد؛ لکن تاکنون به این حدیث به‌صورت مستقل پرداخته نشده است؛ بنابراین با توجه به اهمیت تبیین این موضوع و شبهه‌زدگی برخی مسلمانان، در این مقاله به بررسی جواز و یا عدم جواز "شد رحال" برای زیارت قبر پیامبر ﷺ، بر اساس این روایت، پرداخته خواهد شد.

مفهوم‌شناسی "شد رحال"

شد از شَدَ یَشُدُّ به‌معنای قوی و گره‌زدن^۲ و رحال، جمع رَحَل به‌معنای السَّرج است^۳ که بر پالان یا زین اسب اطلاق می‌گردد.^۴ "شد رحال" در اصطلاح، کنایه از قصد و عزم سفر داشتن می‌آید.^۵

۱. «سزاوار نیست برای سواره که قصد سفر کند به‌سوی مسجدی که شایسته است در آن نماز خوانده شود، مگر مسجد الحرام، مسجد الاقصی و مسجد من»؛ (ابن حنبل شیبانی، احمد، مسند، ج ۲۳، ص ۲۲۶).
۲. «علی فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، ج ۱، ص ۳۰۷»؛ «مجمع اللغة العربیه، معجم الوسیط، ج ۱، ص ۴۷۵»؛ «حسینی زبیدی، محمد، تاج العروس، ج ۸، ص ۲۴۰».
۳. «ابن عباد، اسماعیل، المحيط فی اللغة، ج ۱، ص ۲۲۰»؛ «فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، ج ۱، ص ۱۰۰۵».
۴. ابن عباد، اسماعیل، المحيط فی اللغة، ج ۱، ص ۲۲۰.
۵. علی فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، ج ۱، ص ۳۰۷.

دیدگاه وهابیان

وهابیان به تبعیت از ابن تیمیه، معتقد به جواز و استحباب اصل زیارت قبر پیامبر ﷺ هستند؛ لکن سفرکردن برای زیارت قبر آن حضرت را جایز ندانسته و آن را بدعت می‌دانند.^۱ یکی از دلایل وهابیان، حدیث «لا ینبغی للمطی أن تشد رحاله إلی مسجد تبغی فیہ الصلاة غیر المسجد الحرام و مسجد الأقصی و مسجدی هذا»^۲ می‌باشد. وهابیان با استناد به ظاهر این حدیث، "شد رحال" به قصد زیارت قبر پیامبر ﷺ را جایز نمی‌دانند.^۳ طبق ادعای وهابیت، از آنجا که پیامبر اسلام ﷺ در این حدیث، مسلمین را از "شد رحال" به سوی غیر از مساجد ثلاث نهی فرمودند، و نهی در روایت نیز تحریمی است، در نتیجه، "شد رحال" برای غیر از مساجد مذکور در حدیث حرام است و این نهی، هر مکانی را شامل می‌گردد.^۴ استدلال دیگری که مخالفین جواز "شد رحال" بر اساس این حدیث مطرح کرده‌اند این است، زمانی که "شد رحال" برای مساجد حرام باشد، پس "شد رحال" برای مکانی غیر از مسجد به طریق اولی حرام است؛ بنابراین "شد رحال" برای زیارت قبر پیامبر ﷺ نیز حرام است.^۵ آلبانی از مخالفین جواز "شد رحال" معتقد است: صحیح نیست نهی موجود در حدیث، تاویل برده شود؛ بنابراین باید بر عموم حدیث پایبند ماند.^۶

۱. ابن عثیمین، محمد بن صالح، فتاویٰ أركان الإسلام، ص ۱۶۷.

۲. «سزاوار نیست برای سواره که قصد سفر کند به سوی مسجدی که شایسته است در آن نماز خوانده شود، مگر مسجد الحرام، مسجد الاقصی و مسجد من؛ لازم به ذکر است که این حدیث با الفاظی متفاوت نیز نقل شده است مانند: لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَ الْمَسْجِدِ الرَّسُولِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَ الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى، و لا تعمل المطي إلا إلى ثلاثة مساجد إلى المسجد الحرام وإلى مسجدي هذا وإلى مسجد إيليا» (ابن حنبل، احمد، مسند، ج ۲۳، ص ۲۲۶).

۳. ابن عبد الوهاب، سلیمان، تیسیر العزیز الحمید، ج ۱، ص ۴۶۱.

۴. همان.

۵. «ابن عبد الوهاب، سلیمان، تیسیر العزیز الحمید، ج ۱، ص ۴۶۱»؛ «ابن الهادی، محمد، الصارم المنکی، ج ۱، ص ۳۹۷»؛ «آل فرج، مدحت بن حسن، المختصر المفید فی عقائد ائمه التوحید، ج ۱، ص ۲۷۵».

۶. آلبانی، محمد ناصر الدین، موسوعه آلبانی فی العقیده، ج ۲، ص ۴۱۹-۴۱۸.

نقد دیدگاه وهابیان

با بررسی های صورت گرفته، به نظر می رسد، اشکالاتی بر گفتار وهابیان وارد است.

اشکال اول: نهی در اینجا عمومیت ندارد

از ظاهر حدیث مشخص است که سفر کردن به سوی مساجد، آن هم برای خواندن نماز، مورد نظر است؛ زیرا در حدیث، قید (مسجد و صلاه) آمده است؛ بنابراین حدیث ارتباطی به بحث زیارت قبور ندارد.

بدرالدین عینی از علمای احناف، سفر برای زیارت قبور، کسب علم و غیره را خارج از نهی در حدیث «لاتشد الرحال» می داند و دلیل خود را حدیث «لاینبغی للمطی» بیان می کند؛ زیرا این حدیث تصریح به مسجد دارد؛ بنابراین نهی در حدیث، شامل دیگر مکان ها نمی شود؛^۱ از این جهت که در حدیث «لاینبغی للمطی»، لفظ مسجد صراحتاً بیان شده و می رساند که نهی مربوط به "شد رحال" به سوی مساجد است و نه زیارت قبور. بدرالدین عینی نیز، از همین تصریح استفاده می کند و نتیجه می گیرد که نهی در حدیث «لاتشد الرحال» نیز، ارتباطی به زیارت قبور ندارد و تنها مربوط به مساجد است.

وهابیان به دلیل ظاهرگرایی و عدم تعمق در مسائل، توان درک و فهم صحیح آیات و روایات را از خود سلب کرده اند؛ چراکه خواننده حدیث، با کمی دقت، این نکته را متوجه خواهد شد که تحریمی بودن نهی در حدیث "شد رحال" و عمومیت داشتن این نهی، تالی فاسد دارد. تالی فاسد این دیدگاه، حرمت تمامی سفرها به هر مکانی غیر از این سه مسجد است و این معقول نیست؛ ثانیاً، در اسلام سفرهایی وجود دارد که یا به آن توصیه شده و یا واجب شده اند؛ از جمله، سفر برای طلب علم که طبق آیه «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^۲، به مومنین توصیه شده است؛ همچنین، سفر برای جهاد^۳ و سفرهای دیگر مانند سفر به عرفات،

۱. عینی، بدرالدین، عمده القاری شرح صحیح البخاری، ج ۱۱، ص ۴۵۸.

۲. «چرا از هر جمعی گروهی کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی یابند و قوم خود را هنگامی که به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند، برای اینکه پرهیزند»؛ (سوره توبه، آیه ۱۲۲).

۳. سوره بقره، آیه ۲۱۸.

مشعر و منا که واجب هستند؛^۱ بنابراین اگر نهی در روایت (لاینبغی...) عام باشد، تخصیص اکثر لازم می‌آید.

اشکال دوم، عدم دلالت هر نهی بر حرمت

مطلبی که وهابیان به دلیل ظاهرگرایی نسبت به آن بی‌توجه هستند، این است که "لاینبغی"، نهی صریح نیست و حرمت از آن برداشت نمی‌شود؛ همچنین، هر فعلی که دلالت بر نهی داشته باشد، لزوماً تحریمی نیست. مواردی در قرآن و روایات وجود دارد که فعل نهی آمده است؛ لکن دلالتی بر تحریم ندارد؛ بلکه نهی ارشادی است^۲ و یا متکلم با آوردن فعل نهی، سعی در اثبات مطلبی دیگر دارد: مانند آیه «قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى»؛^۳ نهی از ترسیدن در این آیه، دلالتی بر حرمت ندارد و این مطلب، به قرینه اختیاری نبودن ترس به دست می‌آید.

در حدیث مورد بحث از رفتار پیامبر ﷺ، پی برده می‌شود که نهی موجود در روایت، دلالتی بر حرمت ندارد. عبدالله بن عمر روایت کرده: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ: يَأْتِي مَسْجِدَ قُبَاءٍ كُلَّ سَبْتٍ مَاشِيًا وَرَاكِبًا»؛^۴ پیامبر ﷺ هر شنبه به مسجد قبا عزیمت می‌فرمودند؛ حال اینکه مسجد قبا جزء مساجدی است که طبق ادعای وهابیان، مشمول نهی در حدیث است و "شد رحال" به قصد این مسجد، حرمت دارد. چگونه می‌توان با وجود چنین فعلی از سوی پیامبر اکرم ﷺ، قائل به تحریمی بودن نهی در حدیث «لاینبغی للمطی...» شد؟ بنابراین نهی در حدیث نمی‌تواند تحریمی باشد؛ بلکه همان‌گونه که از لفظ «لاینبغی» برمی‌آید، پیامبر اسلام ﷺ در مقام بیان فضیلت این سه مسجد بر باقی مساجد و تام بودن فضیلت مساجد مذکور بوده‌اند؛ نه اینکه "شد رحال" را برای غیر از این سه مسجد تحریم کنند؛ چنانچه اقوال علمای اهل سنت، گویای همین مطلب است.

۱. شوکانی، محمد، نیل الاوطار، ج ۵، ص ۱۱۵.

۲. نهی ارشادی: نهی که جنبه نصیحت و ارشاد دارد و در صورت انجام آن، مکلف عقاب نمی‌شود.

۳. «خدا فرمود آن را بگیر و مترس که بی‌درنگ آن را به کیفیت اولش باز می‌گردانیم»؛ (سوره طه، آیه ۲۱).

۴. «سیره پیامبر ﷺ چنین بود که هر شنبه، پیاده و سواره به مسجد قبا می‌آمد»؛ (بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، ج ۴، ص ۴۹۷، حدیث ۱۱۹۳)؛ (نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح، ج ۲، ص ۱۰۱۶، حدیث ۵۲۱)؛ (بیهقی، احمد، السنن

الصغری، ج ۲، ص ۲۱۲، حدیث ۱۳۷۶).

ابن حجر قسطلانی پس از بیان نظر ابن تیمیه درباره "شد رحال"، برای زیارت قبر پیامبر ﷺ و استناد او به حدیث «لا تشد الرحال...» و حدیث «لا ینبغی للمطی...» می-نویسد: این مسئله از مستهجن ترین مسائلی است که از ابن تیمیه نقل شده است؛ در ادامه ابن حجر می گوید: سفر برای زیارت قبور، کسب علم و... در واقع سفر به سوی آنچه که داخل در آن مکان است، می باشد؛ نه سفر به سوی مکان؛ علاوه بر اینکه سفر برای زیارت قبور، به نهی در حدیث ارتباطی ندارد و زیارت قبر پیامبر ﷺ، به اجماع علما مستحب است.^۱

نووی نیز در کتاب شرح صحیح مسلم، ذیل حدیث «لا تشد الرحال...»، چنین بیان می کند: حدیث در بیان عظمت و فضیلت مساجد مذکور آمده است؛ اما "شد رحال" برای زیارت قبور صالحین و غیره، نه حرمت دارد و نه کراهت و حدیث، تنها فضیلت تام برای مساجد مذکور را ثابت می کند.^۲ از این سخن نووی (شارح صحیح مسلم)، می توان چنین برداشت کرد که نهی در «لا ینبغی»، به طریق اولی دلالت بر حرمت ندارد؛ زیرا "لا تشد"، صریح در نهی است و زمانی که "لا تشد"، حرمت را نرساند، "لا ینبغی" که تصریح ندارد، به طریق اولی دلالتی بر حرمت ندارد.

زین الدین عراقی در ذیل حدیث «لا تشد الرحال» می نویسد: نهی در حدیث، نه دلالت بر حرمت دارد و نه کراهت؛ بلکه دال بر برتری این سه مسجد است و دلیل بر این مطلب، روایت «لا ینبغی للمطی...» است که احمد در مسند آورده است.^۳ از گفته ایشان برمی آید که برای اثبات مدعای خود، یعنی عدم دلالت نهی در حدیث «لا تشد الرحال...» بر حرمت، به روایت «لا ینبغی للمطی...» استناد کرده و نهی در حدیث «لا ینبغی للمطی» را دال بر حرمت نمی داند.

دفع یک اشکال

برخی اشکال کرده اند که طبق آیات قرآن کریم، لفظ "لا ینبغی" دال بر حرمت است؛^۴

۱. قسطلانی، ابن حجر، ارشاد الساری، ج ۲، ص ۳۴۴.

۲. نووی، یحیی بن شرف، شرح نووی علی المسلم، ج ۹، ص ۱۰۶.

۳. عراقی، زین الدین، طرح التثریب، ج ۶، ص ۴۲-۴۱.

۴. آلبانی، محمد ناصرالدین، موسوعه آلبانی فی العقیده، ج ۲، ص ۴۱۹.

مانند آیه «سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْتَبِغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ»^۱؛ همچنین حدیث «إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَنْبَغِي لِأَلِ مُحَمَّدٍ»^۲.

پاسخ

در سیره پیامبر ﷺ مشاهده می‌کنیم که ایشان، هر شب به مسجد قبا رفته و آنجا دو رکعت نماز خوانده‌اند؛^۳ همچنین روایات بسیاری در استحباب زیارت قبور، علی‌الخصوص قبر شریف پیامبر ﷺ وجود دارد که قابل انکار نیست؛ از جمله روایت «من زار قبری وجبت له شفاعتی»؛^۴ بسیار جای شگفتی است که زیارت قبر پیامبر ﷺ مستحب باشد؛ اما سفر برای زیارت قبر ایشان حرام؛ از ملزومات چنین سخنی این است که ذی-المقدمه که زیارت است، مستحب باشد و مقدمه آن، که سفر برای زیارت است، حرام باشد.

بنابراین سیره پیامبر ﷺ و تالی فاسدی که بیان شد، قرینه‌ای بر عدم دلالت "لا ینبغی" بر حرمت هستند و با همین بیان، بطلان استدلال به اولی بودن نهی در حدیث نسبت به مکان‌های دیگر نیز آشکار می‌شود؛ زیرا اگر وهابیان قائل شوند به اینکه "شد رحال" به غیر از مساجد، به طریق اولی حرام است، باید به ملزومات آن نیز پایبند باشند و یکی از آن ملزومات، حرمت تمام سفرها است؛ حتی سفر برای کسب علم، جهاد و...؛ زیرا این دو، لازم و ملزوم یکدیگر هستند و لازم و ملزوم را نمی‌توان از یکدیگر جدا ساخت.

جواز "شد رحال" در نگاه غالب علمای مذاهب اربعه

غالب علمای مذاهب اربعه، معتقد به جواز سفر کردن برای زیارت قبر پیامبر ﷺ هستند.

بحیرمی از علمای شافعی، "شد رحال" برای زیارت قبور را جایز می‌داند؛ زیرا معتقد

۱. «سزاوار ما نبود که در برابر تو، دوستان و پیروانی برای خود بگیریم»؛ (سوره فرقان، آیه ۱۸).

۲. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح، ج ۲، ص ۷۵۶، حدیث ۱۶۷.

۳. «عن ابن عمر: کان النبی - صلی الله علیه وسلم - یأتی مَسْجِدَ قُبَاَ کُلَّ سَبْتٍ مَاشِئًا وَرَکْبًا».

۴. «ابن عمر بغدادی، علی، سنن الدار قطنی، ج ۶، ص ۴۸۸، باب الحج، حدیث ۲۲۲۷»؛ «سیوطی، جلال الدین، جامع الاحادیث، ج ۲۰، ص ۳۴۸، حدیث ۲۳۰۴»؛ «متفی هندی، علی، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۶۵۱، حدیث ۴۲۵۸۳».

است، "شد رحال" برای زیارت، در واقع سفرکردن به سوی مکان نیست؛ بلکه به سوی شخصی است که در آنجا مدفون است.^۱ سبکی شافعی می نویسد: سفر برای طلب علم، جهاد، هجرت از دارالکفر، زیارت والدین و صالحین و سفر برای تجارت به اجماع مسلمین جایز است.^۲ محمد زاید پس از بیان نظرات مختلف در مسئله "شد رحال"، برای زیارت قبور و مانند آن می نویسد: صحیح نزد اصحاب ما این است که چنین سفری نه حرام است و نه کراهت دارد.^۳ نووی شافعی نیز سفر برای زیارت قبور صالحین و مکان های فاضله را، جایز می داند.^۴ مغربی، دیگر عالم اهل سنت معتقد است "شد رحال"، برای تجارت و دیگر مطالب، به اجماع مسلمین مباح است و زیارت قبر پیامبر ﷺ از بزرگ ترین این مطالب است.^۵ ابن حجر عسقلانی می نویسد: منع سفر برای زیارت قبر پیامبر ﷺ از زشت ترین مسائلی است که از ابن تیمیه نقل شده و از جمله استدلالات در رد نظر ابن تیمیه، اجماع مسلمین بر مشروعیت زیارت قبر پیامبر ﷺ است.^۶ شوکانی در رد نظر ابن تیمیه می نویسد: "شد رحال" به قصد تجارت، به اجماع مسلمین جایز است؛ همچنین سفر برای کسب علم نیز، به اجماع مسلمین مستحب است و سفر به قصد عرفه مشعر و منا نیز، به اجماع مسلمین واجب است.^۷

سیره صحابه، تابعین و علما

در سیره صحابه و علما، مواردی وجود دارد که مدعای وهابیان را مورد خدشه قرار می دهد.

۱. سفر کعب الاحبار به همراه خلیفه دوم برای زیارت قبر پیامبر ﷺ

واقعی در فتوح الشام آورده است که پس از فتح شام و اسلام آوردن کعب الاحبار، خلیفه

۱. بجیرمی، سلیمان، حاشیه البجیرمی علی الخطیب، ج ۷، ص ۴۸.

۲. سبکی، تقی الدین، شفاء السقام فی زیارت خیر الانام، ج ۸، ص ۳.

۳. زاید، محمد، جواهر التفریبه، ج ۱، ص ۱۹۶.

۴. نووی، یحیی بن شرف، شرح نووی علی مسلم، ج ۹، ص ۱۰۶.

۵. مغربی، حسین، البدرالتمام شرح بلوغ المرام، ج ۵، ص ۴۱۷.

۶. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، ج ۳، ص ۶۶.

۷. شوکانی، محمد، نیل الاوطار، ج ۵، ص ۱۱۵.

دوم رو به کعب می‌گوید: آیا دوست داری همراه من به مدینه بیایی و قبر پیامبر ﷺ را زیارت کنی؟ کعب نیز می‌پذیرد و به همراه عمر به مدینه آمده و قبر ایشان را زیارت می‌کند.^۱ آیا وهابیان می‌توانند عمل کعب الاحبار و عمر را حرام بخوانند؟

۲. سفر بلال حبشی به مدینه برای زیارت قبر پیامبر ﷺ

ابن عساکر در مختصر تاریخ دمشق نقل می‌کند که بلال حبشی در شام، پیامبر ﷺ را در خواب می‌بیند. پیامبر ﷺ از او به دلیل زیارت نکردن قبرشان گلایه می‌کند؛ پس از آن، بلال برای زیارت قبر پیامبر ﷺ از شام به مدینه سفر می‌کند.^۲

۳. عمر بن عبدالعزیز^۳ و زیارت قبر پیامبر ﷺ

سبکی می‌نویسد: عمر بن عبدالعزیز افرادی را اجیر می‌کرد که از طرف او به مدینه بروند و قبر پیامبر ﷺ را زیارت کنند. او این کار را مکرراً انجام می‌داد.^۴

۴. سفر حضرت صدیقه^۵ برای زیارت قبر حمزه سیدالشهداء^۶ علی^۷

حاکم نیشابوری در مستدرک روایتی را نقل می‌کند که حضرت زهرا^۸ علیها السلام، هر جمعه به زیارت قبر حمزه سیدالشهداء^۹ علی^{۱۰} در احد می‌رفتند و در آنجا گریه می‌کردند.^۵ مشخص است که بین مدینه و محل جنگ احد که مدفن حمزه سیدالشهداء^{۱۱} علی^{۱۲} می‌باشد، فاصله - ای طولانی است^۶ و حضرت^{۱۳} علیها السلام، هر جمعه این فاصله را برای زیارت قبر ایشان طی می‌کردند. حال آیا می‌توان حضرت صدیقه^{۱۴} علیها السلام را که هم جزء صحابه هستند و هم پاره تن حضرت رسول^{۱۵} ﷺ، معاذالله به انجام فعل حرام متهم ساخت؟

۵. سفر ائمه حدیث برای زیارت قبر حضرت علی بن موسی الرضا^{۱۶} علی^{۱۷}

ابن حجر در ترجمه تاریخ امام رضا^{۱۸} علی^{۱۹} و حاکم در تاریخ نیشابور نقل می‌کنند: ابابکر

۱. واقدی، محمد بن عمر، فتوح الشام، ج ۱، ص ۲۴۴.

۲. ابن عساکر، علی، مختصر تاریخ دمشق، ج ۵، ص ۲۶۵.

۳. ششمین خلیفه اموی.

۴. سبکی، تقی الدین، شفاء السقام، ج ۱، ص ۲۱۱.

۵. نیشابوری، محمد (حاکم)، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۳۷۷، کتاب الجنائز.

۶. بیش از دوازده کیلومتر.

محمد بن المومل می‌گوید: به‌همراه ابی‌بکر بن خزیمه (امام اهل‌حدیث)، و عدیله ابی‌علی ثقفی و جمعی از اساتید برای زیارت قبر علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام به طوس رفتیم.^۱

نتیجه

وهابیان به تبعیت از ابن‌تیمیه با استناد به‌ظاهر حدیث «لا ینبغی للمطی أن تشد رحاله إلى مسجد یتبغی فیہ الصلاة غیر المسجد الحرام و مسجد الاقصی و مسجدی هذا»، قائل به حرمت و بدعت بودن سفر برای زیارت قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند؛ لکن استدلال آنان به این حدیث تام نیست؛ زیرا این حدیث نهی از "شد رحال" برای رفتن به غیر از مسجد الحرام، مسجد الاقصی و مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌کند و هیچ ارتباطی به زیارت قبور ندارد؛ از طرفی نهی در حدیث تحریمی نیست؛ بلکه دال بر برتری این سه مسجد بر باقی مساجد است و غالب علمای اهل سنت نیز، بر همین عقیده هستند؛ همچنین این مطلب که سفر به هر مکانی غیر از این سه مسجد حرام است، لازمه‌ای دارد و آن، حرمت تمامی سفرهای جایز می‌باشد؛ حتی سفر به عرفات، مشعر و منا که از سفرهای واجب در ایام حج هستند؛ علاوه بر این، سفر کردن برای زیارت قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دیگر مومنین توسط صحابه، مانند حضرت زهرا علیها‌السلام، بلال حبشی و کعب‌الاحبار، صورت گرفته است.

۱. عسقلانی، ابن حجر، تهذیب‌التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۹.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حنبل، احمد، **مسند**، تحقيق: شعيب الازنوط، بيروت: موسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۳. ابن عباد، اسماعيل، **المحيط في اللغة**، تحقيق: محمد حسن آل ياسين، بيروت: عالم الكتاب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۴. ابن عبد الوهاب، سليمان بن عبدالله، **تيسير العزيز الحميد**، تحقيق: زهير الشاويش، بيروت: مكتبه الاسلاميه، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۵. ابن عبد الهادي، محمد، **الصارم المنكى في الرد على السبكي**، تحقيق: عقيل بن محمد المقطري اليماني، بيروت: موسسه الريان، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۶. ابن عساکر، علی بن حسن، **مختصر تاريخ دمشق**، تحقيق: روية النحاس، رياض عبد الحميد مراد، محمد مطيع، دمشق: دار الفكر للطباعة والتوزيع والنشر، چاپ اول، ۱۴۰۲ق.
۷. آلبانی، محمد ناصر الدين، **موسوعة آلبانی في العقيدة**، تحقيق: شادی بن محمد آل نعمان، صنعاء: مركز النعمان للبحوث والدراسات الاسلاميه وتحقيق التراث والترجمه، چاپ اول، ۱۴۳۱ق.
۸. آل فراج، مدحت، **المختصر المفيد في عقائد ائمه التوحيد**، بی جا: بی نا، بی تا.
۹. بجيرمی، سليمان بن محمد، **حاشيه بجيرمي علي الخطيب**، بی جا: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعيل، **صحيح**، قاهره: جمهوريه مصر وزارت الاوقاف المجلس الاعلى للشئون الاسلاميه لجنه احياء كتب السنه، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۱. بيهقي، احمد، **السنن الصغرى**، تحقيق: امين، عبدالمعطى، كراچى: جامعه الدراسات الاسلاميه، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۱۲. حاكم نيشابورى، محمد، **المستدرک على الصحيحين**، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۳. زايد، محمد، **جواهر الھريريه**، بی جا: بی نا، ۱۴۲۶ق.
۱۴. زبيد، محمد، **تاج العروس**، بی جا، دارالهدايه، بی تا.
۱۵. سبكي، تقى الدين، **شفاء السقام في زيارت خير الانام**، تحقيق: محمدرضا حسيني جالالى، بولاق: مطبعه الاميريه الكبرى، چاپ اول، ۱۳۱۸ق.
۱۶. سيوطى، جلال الدين، **جامع الاحاديث**، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۷. شوکانی، محمد، **نيل الاوطار**، تحقيق: عصام الدين طباطبائي، مصر: دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۱۸. عراقى، زين الدين، **طرح التثريب**، مصر: الطبعة المصرية القديمة، بی تا.
۱۹. عسقلانى، ابن حجر، **فتح البارى**، تحقيق: خطيب، محب الدين، بيروت: دارالمعرفه، ۱۳۷۹ق.

۲۰. عینی، بدرالدین، **عمده القاری شرح صحیح البخاری**، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، **قاموس المحيط**، تحقیق: مکتب تحقیق التراث فی موسسه الرساله، بیروت: موسسه الرساله، چاپ هشتم، ۱۴۲۶ق.
۲۲. فیومی، احمد بن محمد، **مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر**، قم: دارالهجره، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۲۳. قسطلانی، احمد، **ارشاد الساری شرح صحیح بخاری**، مصر: المطبعة الکبری الامریه، چاپ هفتم، ۱۳۳۳ق.
۲۴. مصطفی، ابراهیم، **معجم الوسیط**، مصر: دارالدعوه، بی تا.
۲۵. مغربی، حسین، **البدر التمام شرح بلوغ المرام**، تصحیح: الزبن علی، بی جا: دارالهجره، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۶. نووی، یحیی بن شرف، **شرح النووی علی مسلم**، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۷. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **صحیح**، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.
۲۸. واقدی، محمد بن عمر، **فتوح الشام**، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.